

رازگشایی نمادهای آیینی در پوشش شهریاران ساسانی

فریدون آورزمانی

favarzamani@yahoo.com

دکتری باستان‌شناسی، مرکز پژوهشی نظر، ایران.

چکیده

نقش برجسته‌ها، سکه‌ها و مهرهای ساسانی از منابع و مآخذ بزرگ هنر و فرهنگ ساسانی بشمار می‌روند، پژوهندگان هربار که به مطلب تازه‌ای از تاریخ و هنر ساسانی بر می‌خورند یا به خواندن نوشته‌ای توفیق می‌یابند، همواره به این منابع بازمی‌گردند. این نقش‌ها معیارهای اصلی هستند که می‌توانیم نتایج بدست آمده را با آنها بسنجیم. مقایسه تصویر شهریاران ساسانی که بر صخره‌ها نقش شده با تصویر آنها بر سکه‌ها و ظروف فلزی نقش‌دار و نگین‌های کنده‌کاری شباهت و وحدتی اصولی را اثبات می‌کند که تصویرهای مذکور بر مبنای آن پدید آمده‌اند. بررسی زیورها، پوشاک و مخصوصاً افسر شاهی روشن می‌سازد این آثار دارای نشانه‌های نمادین و رازآمیزی هستند که با آئین زرتشت و باورهای پیش از آن پیوندی ناگسستنی دارند. «دیهیم» یا «فر» ایزدی از نشانه‌های بارز هنر ساسانی است که ضمن ارتباطات ساسانیان با امپراطوری روم به آن دیار رفته و بعدها در لباس نظامی کروات‌های قوم ایرانی تبار اروپایی ظاهر شده و از آنجا به فرانسه رفته و مورد توجه سایر اروپاییان قرار گرفت به طوری که ابتدا شاهان و بزرگان آن را بکار گرفته و بعدها جزئی از لباس رسمی مردم آن دیار شده است.

واژگان کلیدی

هنر ساسانی، مهر، آناهیتا، بهرام، فره ایزدی، کروات، پاپیون (پروانه).

مقدمه

بسیاری از نمادها و نشانه‌های ایرانی طی ارتباط با رومیان به آن دیار رفته و پس از قرن‌ها با تغییر و تحولاتی به گاهواره خویش، ایران بازگشته است. در هنر آیینی-سیاسی ساسانی نمونه‌هایی از این عناصر در نقش برجسته‌ها، نقوش سکه، ظروف و اشیاء و پارچه‌ها مشاهده می‌شود که پیشتر نیز در هنر اشکانی وجود داشته است. نشانه مورد توجه پژوهش حاضر، «دیهم» یا همان «فر» ایزدی است که بر تاج و کلاه، دور گردن و حلقه عهد و پیمان شاهان و ایزدان ساسانی دیده می‌شود.

این نشانه در زمان ساسانی به غرب رفته و بعدها از طریق قوم مهاجر ایرانی "کروات" به فرانسه و سپس سایر نقاط اروپا راه یافته و در فرهنگ غربی جا افتاده و مجدداً به ایران بازگشته در حالی که پیشینه و ریشه آن فراموش شده است. این اتفاق در مورد بسیاری از علوم که ریشه ایرانی دارند و امروز در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند و ایرانیان از پیشینه آن بی‌خبرند نیز تکرار شده است. بررسی‌های هنری، زبان‌شناسی، قوم‌شناسی، تاریخ و باستان‌شناسی شاهد این ادعاست که جا دارد در پژوهش‌های جداگانه به آن‌ها پرداخته شود.

فرضیه

نقش «دیهم» از نمادهای مهم مذهبی-سیاسی و فر ایزدی شاهان ساسانی با صدور پارچه‌های ابریشمی به امپراطوری روم رفته و بعدها این نماد مقدس توسط "کروات"های ایرانی‌تبار به ارتش لویی چهاردهم وارد شد؛ سپس این نماد با عنوان کراوات، که از نام این قوم گرفته شده، وارد فرهنگ و زبان فرانسه شد و امروزه جزئی از لباس رسمی اروپاییان شده است.

واژه‌شناسی پژوهش

۱- ورثرغن : یا بهرام ایزد پیروزی و ظفر در ایران باستان بود، البته بهرام تنها ایزد پیروزی و فتح نیست بلکه پیروزی، ویژگی اوست. بهرام در زمان ساسانیان ایزد آذر نیز بود چنانکه در آن زمان آتشکده‌های بسیاری ساخته می‌شد که نام آنها را «آتش بهرام» یا «آذر بهرام» می‌گذاشتند. بهرام در کالبد انسان و حیوانات نیرومند متجلی می‌شد که یکی از آنها مرغ وارغن (شاهین) بود. بدین‌سان بال‌های گسترده به عنوان مظهر و نشانه این ایزد نیرومند بر فراز اورنگ فرمانروایان قرار گرفت تا همیشه پیروز و از گزند اهریمن و یاران او در امان باشند.

۲- مهر : در باورهای باستانی ایران زمین خدایی بسیار کهن و پیش از ظهور زرتشت بود، ولی در سنت دین زرتشتی در رده

پایین‌تر از اهورامزدا به صورت ایزدی نیرومند قرار گرفت، او آفریده اهورامزدا محسوب شد تا از آفرینش او پاسداری کند. او ایزد پیمان است و عهد و نظم و راستی را نگاهبانی می‌کند، او با هرکه پیمان را بشکند دشمن است. در «مهریشت»، سرود مخصوص او، توصیف زیبایی از او شده است. او پیش از خورشید ظاهر می‌شود و همراهی او با خورشید باعث شده که بعدها مهر معنی خورشید را پیدا کند. او همچنین در داوری انجامین روان‌ها در پای پل چینود همراه با ایزد سروش و ایزد رشن شرکت دارد و بر داوری‌ها نظارت می‌کند.

۳- آناهیتا : ایزدانویی با شخصیت بسیار برجسته که جای مهمی در آیین‌های ایران باستان دارد و قدمت ستایش او به دوره‌های پیش از زرتشت می‌رسد. آناهیتا پاک و بی‌آلایش معنی می‌دهد، تجسم او در «آبان‌یشت» بانویی است جوان، خوش‌اندام، بلندبالا، زیباچهر، با بازوانی سپید و اندامی برازنده، کمر بند تنگ بر میان بسته، به جواهر آراسته، با طوقی زرین برگردن، گوشواره چهارگوش در گوش، کفش‌هایی درخشان در پا، بالاپوشی زرین و پرچین. این ایزدانو با صفات نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الهه آب‌ها و عشق و باروری درآمده، زیرا چشمه حیات از وجود او می‌جوشد.

۴- تیشتر : در اوستا (تیشتریه) و در پهلوی (تیشتر) و در فارسی (تیر) نام یک ستاره و در اساطیر ایرانی ایزد باران است. یشت هشتم در اوستا به او اختصاص یافته که ستاره‌ای سپید و درخشان و دور پیداست. او سرشت آب دارد و تواناست، در اوستا داستان نبرد او با «آپوش» دیو خشکسالی و پیروزیش به زیبایی توصیف شده است.

۵- فر ایزدی : در دوره ساسانیان پادشاه از دیدگاه مردم خصوصیات ویژه‌ای داشت که به فارسی (فر) و به زبان فارسی میانه (فره) و به اوستایی (خورنه) گفته می‌شد این لفظ به معنی نیروی زندگی و شکوه بوده و همچنین دارای مفهوم پیروزی و بخت به ویژه بخت شاهی و از همه مهم‌تر بارقه‌ای الهی و ایزدی نیز بوده است که فقط در وجود شاه متجلی می‌شده و او را از سایر انسان‌ها متمایز و مستحق فرمانروایی می‌کرد.

۶- کستی : کستی، کست یا کستیک، کستی یا بند دین عبارت از بند سفید و باریک و بلندی بوده که از هفتاد و دو نخ پشم سفید گوسفند بافته می‌شده است. هر فرد زرتشتی پس از پانزده سالگی ناگزیر بود که آن را به دور کمر ببندد (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۹۳).^۱

۷- زنار: رشته‌ای متصل به صلیب که مسیحیان بر گردن خود آویزند.

کمربندی که ذمیان نصرانی در مشرق زمین مجبور بودند به کمر ببندند تا بدین وسیله از مسلمانان متمایز شوند (معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۷۴۹).

دولت ساسانی و بازرگانان ایرانی انجام می‌شد. به تدریج بافتن پارچه‌های متنوع ابریشمی در ایران ساسانی رواج یافت و علاوه بر ابریشم خام، پارچه‌ها و لباس‌های ابریشمین نیز به روم صادر می‌شد. صدور پارچه‌های دوخته‌شده سبب شد بسیاری از نمادهای مذهبی و آرم‌های ساسانی به روم شرقی و از آنجا به کشورهای تابعه بیزانس مانند فرانسه و سایر سرزمین‌های اروپایی صادر شود. این نقوش و نمادها از دیدگاه آنها مفهومی نداشت اما برخی از آنها به علت زیبایی مورد توجه اشراف و بزرگان قرار گرفت.



الف



ب



د



ج

تصویر الف. نماد ورثرخن (بال عقاب) بر تاج بهرام دوم. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵: ۲۵۹.
تصویر ب. نماد میترا بر تاج بهرام اول-۲۷۶-۲۷۳ میلادی. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵: ۲۵۳.
تصویر ج. سکه یزدگرد اول با نماد آناهیتا (هلال ماه) بر روی تاج فرمانروا. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵: ۲۹۹.

تصویر د. حاشیه بیرونی سکه پوران دخت (ملکه ساسانی) به علامت ستاره نماد تیشتر مزین شده است. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵: ۲۳۲.

نمادهای آیینی

بر تاج شاهان ساسانی نمادهایی مانند نقش قرص خورشید، هلال ماه، ستاره، بال عقاب، شعاع‌های نور و مروارید دیده می‌شود. «ابوریحان بیرونی» در کتاب «آثارالباقیه» می‌گوید: «شاهان ساسانی تاجی بر سر می‌گذاشتند که بر آن نقش گردونه خورشید بود» (۱۳۵۲: ۲۹۰).

بدین روال به هنگام حکومت ساسانی مظاهر ایزدانی چون ورثرخن (بهرام)، میترا، آناهیتا و تیشتر به طور آگاهانه و

پیشینه ساسانیان

ساسانیان (قرن ۳ تا ۷ میلادی) از خانواده روحانی بوده و اردشیر، بنیان‌گذار آن سلسله، نگهبان و متولی معبد آناهیتا در شهر استخر بود که یکی از جایگاه‌های ورجاوند محسوب می‌شد. ساسانیان از آغاز فرمانروایی هویتی مذهبی برای حکومت خود قایل شدند؛ آنها وحدت ایران را تأمین کرده و دولتی تشکیل دادند که قدرت کشور را متمرکز کرد و با اقتدار بسیار بر همه مناطق کشور نظارت داشتند. اردشیر پس از درهم کوبیدن دشمنان و وحدت و استقرار حکومت، دین زرتشت را آیین رسمی قرار داده، دین و دولت را با هم درآمیخت و حکومت مرکزی نیرومندی ایجاد کرد. فردوسی وصیت اردشیر به شاپور فرزند و جانشین خود را در روش اداره کشور چنین بیان می‌کند:

چو بر دین کند شهریار آفرین برادر شود شهریاری و دین دو دیباست یک در دگر بافته بر آورده پیش خرد تافته و در کتاب «عهد اردشیر» آمده: «بدانید که دین و شهریاری دو برادر توأم‌اند...» (عباس، ۱۳۴۸: ۳۵) بدین ترتیب ایجاد حکومت مرکزی و رسمی شدن آیین زرتشت تغییرات بزرگی در اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هنری این دوره ایجاد کرد. بدون در نظر گرفتن بافت و ساختار حکومت در این عصر، درک و شناخت مفاهیم هنری بسیار مشکل و گاه غیر ممکن به نظر می‌رسد. در بخش بزرگی از هنر ساسانی اندیشه‌های مذهبی به نحو دقیقی مجسم شده به طوری که بررسی و پژوهش هنر این دوره در قسمت اعظم آن به نمادشناسی مذهبی می‌انجامد. آثار هنری ایران در دوران پیش‌تر هیچ‌گاه با چنین اطمینانی وحدت و اتحاد دین و دولت را بیان نکرده است، به طوری که هنر ساسانی نمودار احترام و تعلق ساسانیان به آیین زرتشت است؛ برای مثال بر پشت سکه‌های سراسر این دوران نقش آتشکده به چشم می‌خورد. بر روی سکه‌های ساسانی، نقش برجسته‌ها، مهرها و ظروف این دوران تصویر رسمی شاهان با نشانه‌های ویژه شهریاری، تاج و زیورهای خاص (نوارها، گوشواره‌ها و گردن بند مروارید) دیده می‌شود. این نشانه‌ها و مهم‌تر از همه افسر شهریاری جنبه نمادین دارد که پیوند ناگسستنی با آیین زرتشت خود را نشان می‌دهند. بدیهی است آیین زرتشت در این دوران تأثیراتی از آیین‌های پیشین را دربرداشته باشد؛ زیرا ایزدان مهر و ناهید که پیشتر ستایش می‌شدند، در این عصر به عنوان یاران اهورامزدا حضور دارند. مظاهر ایزدان همچون هلال ماه مظهر آناهیتا، و خورشید نماد مهر، که مخصوصاً بر تاج شاهان ساسانی تصویر شده، نشان از فرمانروایی مذهبی دارد و قدرت شاهان را وابسته به اهورامزدا و یاران او می‌داند. در زمان ساسانیان، لباس فرمانروایان و طبقه اشراف در روم شرقی اغلب از جنس ابریشم بود. صدور ابریشم از سرزمین چین به روم توسط

سر پادشاه بر روی سکه‌ها می‌بینیم و گویی رشته حلقه‌هایی که توسط فرشته حمل می‌شوند و به سر پادشاه گره می‌خورد اساس شکل‌گیری دیهیم است. ساسانیان ترکیب سربند و نوارهای موج را به عنوان نماد جدیدی از اعطای نشان بکار می‌بردند. به تصویر کشیدن سربندهای حلقه‌ای نشان از تمایل به تقلید حلقه قدرت (حلقه عهد و پیمان) دارد. بر ظروف سیمین ساسانی نیز نقوشی از شاهان و ایزدانو آناهیتا دیده می‌شود که دیهیم (نوار موج) بر گردن و تاج آنان نمایان است و به لحاظ فرم و عملکرد جایگزین همان دیهیم پارتی است (برگرفته از Soudavar, 2003: 31-37).

بنابراین دیهیم یکی از لوازم و نشانه‌های شهرداری بوده است. با بررسی تاج شاهان ساسانی در سکه‌ها، نقش برجسته‌ها و مهرها درمی‌یابیم که دیهیم بر گرد افسر اغلب شاهان این سلسله به وضوح دیده می‌شود. دیهیم مرکب از حلقه‌ای مدور با دو روبان موج است که گاهی بر گردن فرمانروا به صورت طوق روبان‌دار و یا بدون آن قابل رؤیت است (تصویر ۳). در حقیقت دیهیم نماد فر ایزدی بوده که فرمانروا را از سایر انسان‌ها ممتاز و سزاوار سروری و فرمانروایی می‌کرد. در نقش برجسته‌های برجای مانده از دوران ساسانی فر ایزدی

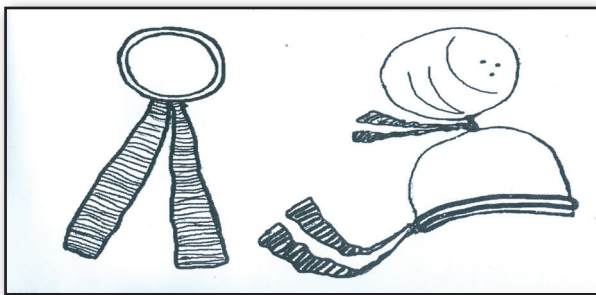
منضبط در هنر ساسانی تجلی می‌کند (تصاویر ۱). نمادهای مذهبی نه فقط بر افسر شهرداری بلکه در پوشاک و سایر تزئینات فرمانروایان ساسانی به شکلی پنهان و رازآمیز وجود دارد و گاهی یک عنصر آیینی به صورت نمادین در تاج، لباس و سایر لوازم فرمانروا تکرار می‌شد. این اشیای نمادین از نشانه‌های شاهی شمرده می‌شدند که حتی خاطره آنها در ادبیات دوران اسلامی نیز دیده می‌شود. رودکی شاعر بزرگ پارسی، قرن سوم و چهارم هجری از دیهیم، گردنبد و گوشوار شاهی نام برده است:

به یک گردش به شاهنشاهی آرد دهد دیهیم و طوق و گوشوارا در «فرهنگ معین» آمده است: دیهیم نوار مخصوصی بود که گرد تاج پادشاه ایران بسته می‌شد (معین، ۱۳۶۰ ج ۲: ۱۶۰۳). ردپای دیهیم را در آیین مهر و در زمان پارت‌ها می‌توان دنبال کرد؛ و آن سربند رشته مانند پارتیان است که معمولاً از آن به داهم/دادم (فارسی‌نو: دیهیم) یا معادل یونانی دیادم (Diadem) یاد می‌کنند. درحقیقت ظهور فرشته بالدار بر پشت سکه‌های پارتیان که دیهیمی را حمل می‌کنند معادل فرشته بالدار ساسانی است که نوار موج به عنوان فر ایزدی را با خود دارد (تصویر ۲). مهم‌تر از اینها چنین نقش‌مایه‌ای را پشت



تصویر ۲: ظرف ساسانی با نقش یزدگرد اول در حال شکار (نوار موج که در سربند پارتیان بوده و معادل دیادم یونانی است در نقوش ساسانی زیاد استفاده شده است و علاوه بر نقش برجسته‌ها در سکه‌ها و ظروف نیز دیده می‌شود. گاه این فر ایزدی یا دیهیم توسط فرشته‌ای حمل می‌شود و به تاج یا گردن شاه آویخته می‌شود). مأخذ: Soudavar, ۲۰۰۳: ۱۵۵.

مخصوصاً فرانسه راه یافته و مورد اقتباس قرار گرفته است. در فرهنگ‌های انگلیسی و فرانسه می‌نویسند واژه کراوات از نیمه دوم قرن هفدهم در زبان فرانسه رواج یافته است، چون سربازان کروات اهل کرواسی که در هنگ پادشاه کروات در زمان لوئی چهاردهم بودند دستمال گردن می‌بستند و این رسم از آن دوره آغاز یافته، از این‌رو مردم فرانسه دستمال گردن را از روی نام این سربازان کروات نام نهادند. پس واژه کراوات و رسم بستن آن پیشینه کلاسیک (یونانی و لاتین) ندارد، از این‌رو اروپاییان ریشه عامیانه برای آن ساخته و آن را به سربازان کروات نسبت داده‌اند. بنا به گفته اروپاییان «cui-rasse» از قرن پانزدهم در اروپا رواج یافته و به واژه حدسی «coracea» نسبت داده شده است. ریشه واژه «corium» در لاتین یعنی «چرم» و «coriaceus» به معنی «چرمی» است که به ناچار گفته‌اند این قسمت از زره را در ابتدا از چرم می‌ساختند! (برگرفته از مقدم، ۱۳۲۴: ۳۰-۳۲). در اوستا

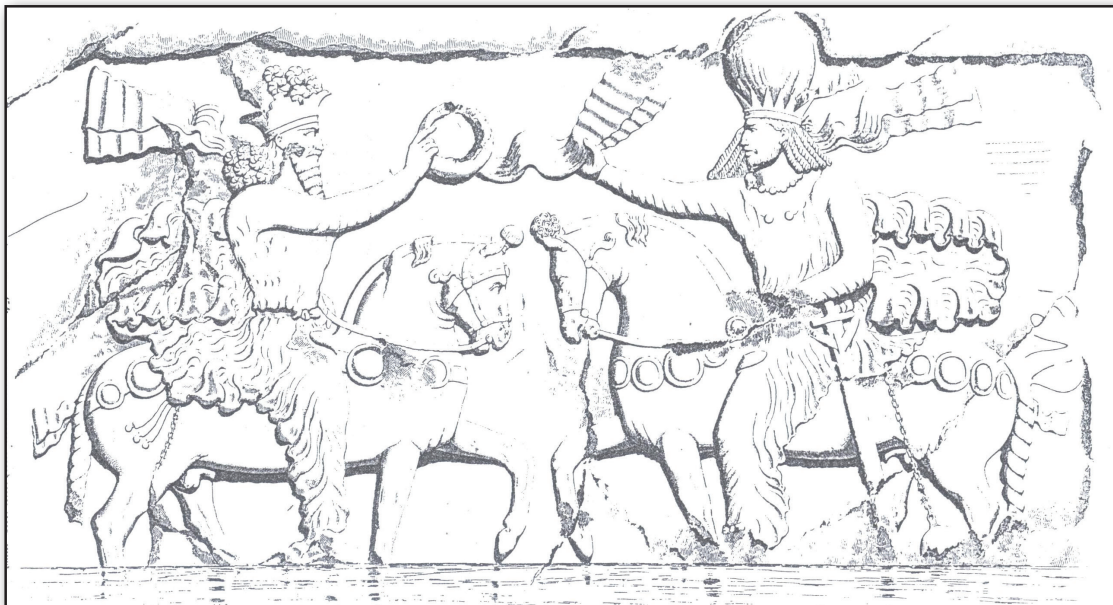


تصویر ۳. حلقه روباندار در لبه پایینی تاج و کلاه شاهان ساسانی / روبان آویخته به حلقه عهد و پیمان مأخذ: آرشیو نگارنده.

توسط هورامزدا و یا ایزدان بزرگی مانند آناهیتا به فرمانروا اهدا می‌شود. در حقیقت با ایجاد این تصاویر، فرمانروایان ساسانی خود را نماینده و برگزیده هورامزدا و ایزدان بزرگ آیین زرتشت در روی زمین می‌دانستند و این تصور را در بینندگان القا می‌کردند. در نقش تاج‌بخشی هورامزدا به اردشیر اول (بنیان‌گذار سلسله ساسانی) در نقش‌رستم اهدای حلقه فرایزدی با نوارهای موج از سوی هورامزدا درحالی است که نقش فر بر پیرامون تاج اردشیر و هورامزدا نیز دیده می‌شود.

در مراسم تاج‌گذاری بهرام اول در بیشاپور نیز فر ایزدی در دستان هورامزدا و بهرام و بر گرد افسر آنها به چشم می‌خورد (تصویر ۴الف). همچنین در مراسم تاج‌گیری نرسی از ایزدبانو آناهیتا در نقش رستم فر ایزدی در دستان الهه و فرمانروا و برگرد تاج آنها و برگردن آناهیتا قابل رؤیت است (تصویر ۴ب). در صحنه تاج‌بخشی هورامزدا به اردشیر دوم در تاق‌بستان نماد فر در دست‌های هورامزدا و فرمانروا و بر گرد تاج آنها، بر کمر هورامزدا و شاه و ایزد مهر و مهم‌تر از همه بر گردن هورامزدا و مهر دیده می‌شود (تصویر ۴ج).

با توجه به ارزش‌های نمادین عنصر دیهیم در لباس ایرانیان، این نظر که دیهیم به واسطه‌ای در لباس اروپاییان ظاهر شده و تدریجاً تغییر شکل یافته با استناد به روایت‌هایی که در ادامه خواهد آمد روشن می‌شود. گردن‌پوشی که بر گردن مردم اروپاست و «کراوات» نامیده می‌شود؛ همان نماد فر ایزدی است که مانند بسیاری دیگر از هنرها، ابزار، علایم و پوشش‌های ساسانی در قرون وسطی به اروپا و



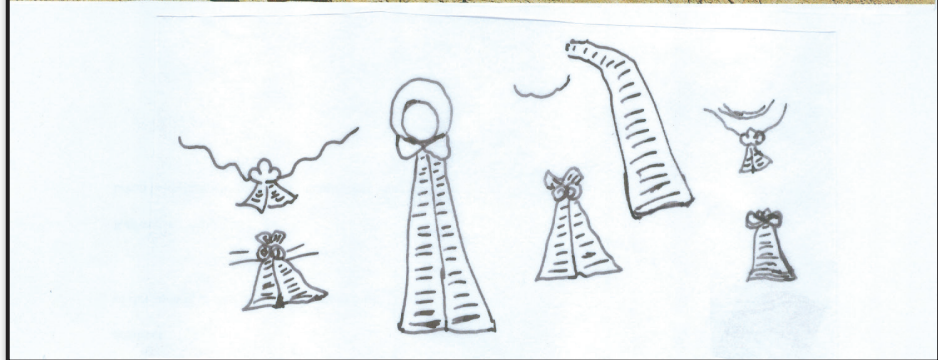
تصویر ۴الف. تاج‌گیری بهرام اول از هورامزدا، تنگ چوگان، بیشاپور، استان فارس، ایران. مأخذ: جوادی و اورزمانی، ۱۳۸۸: ۱۲۲.



تصویر ۴ب. مراسم تاجگیری نرسی از ایزدبانو آناهیتا در نقش رستم، استان فارس، ایران. مأخذ : Soudavar, 2003: 159.



تصویر ۴ج. تاجبخشی اهورامزدا به اردشیر دوم در تاق بستان، کرمانشاه، ایران. پیش‌سینه، کمر بند و حلقه عهد و پیمان یا همان فر ایزدی با ریسمان موج با گره‌ای شبیه به پایون در دستان شاه و اهورامزدا آشکار است. مأخذ : جوادی و آورزمانی، ۱۳۸۸ : ۱۷۷.



ریشه ایرانی کراوات و چگونگی صدور آن به امپراطوری روم در دوران ساسانی، استفاده از کروات توسط قوم ایرانی تبار اهل کرواسی و بعدها رفتن این نشانه به انگلیس و فرانسه و سایر نقاط اروپا مطالب بسیاری گفته شده است؛ که اغلب به نقل از «نوئل مالکوم» پژوهشگر انگلیسی در کتاب «تاریخچه مختصر بوسنی» است. همچنین در برخی منابع مذکور به نقل از دکتر «نورپها» در پژوهشی پیرامون تاریخچه کراوات آن را یک نماد اسلامی معرفی کرده‌اند که در جنگ‌های صلیبی مسلمانان قوم کروات برای اولین بار از آن استفاده کرده‌اند. مالکوم در کتاب مذکور به پیشینه اقوام یوگسلاوی اشاره کرده و صربها و کروات‌ها را ایرانی تبار معرفی می‌کند که بعدها به قوم اسلاو پیوسته‌اند. واژه کراوات یا هراوات (hravat) در زبان صربی ریشه ندارد بلکه این نام بر لوح سنگی در ناحیه یونانی‌نشین جنوب روسیه پیدا شده است. در زبان اوستایی خراوات (khoravat) به معنی دوستانه است

(وندیداد، فرگرد ۱۴، بند ۹) از ۱۲ چیز که مرد جنگی به آنها نیازمند است نام می‌برد و می‌گوید: "... هفتم زره، هشتم کتر است و در برابر آن در پهلوی گریپوپان آمده و در شرح آن می‌گوید که کترت مانند کمر بند به زره بسته می‌شد، این کراوات بیشتر به صورت پهن تر و پیش‌سینه‌ای دیده می‌شود که پادشاهان و بزرگان سپاه می‌بستند (تصویر ۵) و در همه صورت‌های کنده شده روی سنگ و سکه‌های باستانی یافت می‌شود (نک به تصویر ۴ و تصویر ۶).

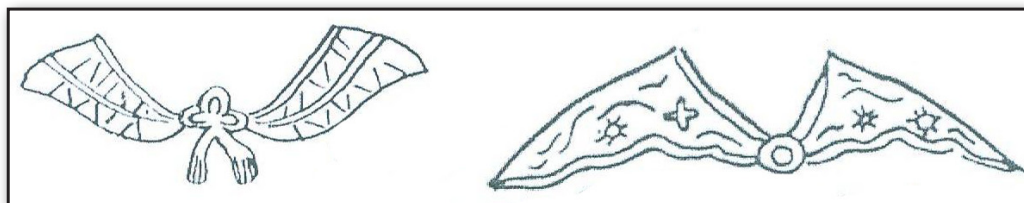
این پیش‌سینه که تا دوره صفویه و بعد از آن هم رسم بوده در صورت‌های شاه عباس نیز دیده می‌شود؛ همان است که به زبان فرانسه «cuirasse» می‌گویند و از «corazza» ایتالیایی گرفته شده و ریشه آن کترس در زبان اوستایی است. به خوبی روشن است که کترت کدامست و واژه کراوات از کجا گرفته شده است.

در بسیاری از سایت‌های اینترنتی و مقالات قدیمی درباره

تصویر ۵. تاجبخشی اهورامزدا و اناهیتا به خسرو دوم. تاق بستان، کرمانشاه، ایران. مأخذ: جوادی و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۱۹۱.



تصویر ۶. دستمال گردن با علائم ماه، خورشید و چلیپا که از نشانه‌های ایرانی و آریایی است. مأخذ: مقدم، ۱۳۳۴: ۳۱.



(Malcolm, 1994:7).

این نشانه همان دیهیم و نماد مقدس ساسانی است که به معنای پیوند و دوستی با اهورامزدا و ایزدان مهر و آناهیتا تعبیر می‌شود.

مهاجرت "کروات‌ها" از ایران سرزمین مادریشان به بوسنی، کرواسی و صربستان احتمالاً به دلیل سرکوب مانویان در دوران ساسانی بوده است. این مهاجرین برای نشان دادن وجه تمایز خود با دیگر اقوام دستمال‌گردنی شبیه دیهیم ایرانی به گردنشان می‌بستند. سربازان کروات که در ارتش لویی چهاردهم داوطلبانه خدمت می‌کردند، به رسم اجداد خود دستمال ابریشمی به گردن خود گره می‌زدند که به تدریج جزیی از لباس نظامیان فرانسه شد. بدین ترتیب واژه «la cravat» وارد زبان فرانسه شد و بعدها در لباس غیر نظامیان نیز مورد استفاده قرار گرفت و رسمی جهان‌شمول شد (Ibid). همان‌طور که پیشتر ذکر شد دیهیم از نشانه‌های فر ایزدی و قبل از زمان ساسانیان نیز مرسوم بوده است به طوری که با بررسی سکه شاهان اشکانی نقش دیهیم برگرد سر تعدادی از آنها دیده می‌شود، همچنین این نماد مقدس ویژه فرمانروایان محلی پارس نیز بوده است. در سنگ نگاره تخت جمشید که پاپک فرمانروای پارس و پدر اردشیر را نشان می‌دهد فر ایزدی به صورت نوار یکپارچه بر گردن او خودنمایی می‌کند (تصویر ۷).

همچنین گفته شده است: بابک که رخت مادی بر تن دارد،...



تصویر ۷. نماد فر ایزدی بر گردن پاپک پادشاه پارس و پدر اردشیر اول. مأخذ: مقدم، ۱۳۲۴: ۳۲.



تصویر ۸. ب. پاپیون بر گردن ریسپیر، حقوقدان فرانسوی، قرن ۱۹. مأخذ: www.ehow.com



تصویر ۸. الف. پاپیون بر گردن چارلز دوم پادشاه اسپانیا، قرن ۱۷ میلادی. مأخذ: www.hoocher.com

نکته دیگر که باید بدان توجه کرد آن است که فر یا دیهیم گاه با پیش سینه‌ای به صورت پروانه بر گردن ایزدان و شاه خودنمایی می‌کند؛ این نمونه از کراوات نزد فرانسویان «پاپیون» نامیده می‌شود. بعدها انواع کراوات و پاپیون در پوشش زنان و مردان مورد استفاده قرار گرفت (تصاویر ۸). بنابراین همانطور که اشاره شد گریپوپان یا پروانه از نمادهای دینی ایران باستان است. در قرن ۱۹ میلادی به سبب ارتباطات زیاد غرب با کشورهای اسلامی، وقتی که کراوات همراه سایر البسه اروپایی به این کشورها صادر شد بعضی از مسلمانان آن را زنا و نماد صلیب مسیحیان پنداشتند. در مازندران تا چند سال پیش که هنوز لباس‌های محلی می‌پوشیدند، رسم بود که داماد شب عروسی، دستمال گردن سرخ یا سبز ببندد و این رسم مانند حلقه‌ای که به انگشت می‌کنند علامت دلبستگی است. کراوات مانند «کستی» علامت دینی است که زرتشتیان به جای کمر بر گردن می‌بستند. از این روست که وقتی بستن کراوات دوباره در ایران رسم شد آن را «زَنار» نام نهادند (همان). زنا را نصرانیان ایرانی بر کمر و گاه بر گردن می‌آویختند.

در تصویر روشن است که کراوات کدام است و... بنابراین نماد «فر» در فرهنگ ایران باستان پیشینه‌ای کهن داشته که مخصوص اهورامزدا و ایزدان بزرگ آیین زرتشت و فرمانروایان بوده که به صورت بخشی از پوشش آنها استفاده شده است (مقدم، ۱۳۲۴ : ۳۲-۳۰). اما نقش دیهیم در هنر ساسانی به طور افراطی استفاده شده تا جایی که علاوه بر حلقه سلطنت و تزئینات لباس، تاج و کلاه شاهان و ایزدان، به گردن آهوان مخصوص در شکارگاه شاهی، به لگام و افسار اسب شاه و اهورامزدا، به گردن پرندگان و حیوانات مقدس و... نیز دیده می‌شود. بنابراین دیهیم دیرزمانی پیش از دوران ساسانی از نمادهای مذهبی ایرانیان بوده است. این نماد که فر ایزدی بوده اغلب با کلمه "کر" گفته شده چنانکه واژه کر از ریشه «کثرت» گرفته شده که یکی از معانی آن قدرت و شکوه عظمت است و در ادبیات فارسی اغلب لغت کر و فرّ با یکدیگر همراه بوده و دارای معنی یکسان است که خود بر یگانگی آنها دلالت می‌کند. کراوات بیانگر فر و شکوه است که همان دیهیم بوده و به تدریج نشانه‌ای و یا بخشی از لباس شده که جنبه رسمی و زیبایی نیز دارد.

نتیجه گیری

کراوات که امروز بخشی از لباس رسمی مردان در ایران و جهان است و گاه به عنوان یکی از مظاهر غرب‌زدگی از آن نهی شده، از جمله نماد و نشانه‌هایی است که همراه با پارچه و البسه ایرانی در دوران ساسانی به امپراطوری روم رفته و بعدها توسط کراوات‌ها (قوم مهاجر ایرانی) به فرانسه و سایر نقاط اروپا رسیده است. در قرن نوزدهم میلادی به سبب ارتباط بیشتر غرب با کشورهای اسلامی بعضی از این پوشش‌ها به سرزمین مادری بازگشت که بعضاً از سوی مسلمانان علامت آیین مسیح و حکومت‌های مسیحی تلقی می‌شدند. در حقیقت این نشانه‌ها که در شرق سرچشمه و منشأ داشت به تدریج مفهوم خود را از دست داد و به فراموشی سپرده شد. دیهیم که به صورت گردن‌آویز و کراوات درآمد در تصاویر فرمانروایان ساسانی در نقش برجسته‌ها، سکه‌ها و مهرها به وضوح به چشم می‌خورد.

منشأ نمادین کراوات به شکل‌های گوناگون از جمله ریسمان ساده با گره، انواع پیش سینه و دستمال گردن و پاپیون (پروانه) همان فر ایزدی است که در گذر زمان مفهوم معنوی و الهی خود را از دست داده است و امروز به عنوان لباس بین‌المللی نشانی از زیبایی و شیک‌پوشی محسوب می‌شود که در لباس مردان و زنان همراه با کت و شلوار یا کت و دامن پوشیده می‌شود.

پی‌نوشت

۱. همچنین «عقیقی» درباره کستی در کتاب «اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی» مطالبی آورده است (۱۳۷۴ : ۵۸۶).

فهرست منابع

- آورزمانی، فریدون و جوادی، شهره. ۱۳۸۸. سنگ‌نگاره‌های ساسانی. تهران: بنیاد نیشابور نشر بلخ.
- امینی، امین. ۱۳۸۵. سکه‌های ساسانی. تهران: ققنوس.
- اوشیدری، جهانگیر. ۱۳۷۱. دانشنامه مزدیسنا. تهران: نشر مرکز.
- بیرونی، ابوریحان. ۱۳۵۲. آثار الباقیه عن القرون الخالیه. به کوشش اکبر دانا سرشت، تهران: ابن سینا.

- پورداوود، ابراهیم. ۱۳۶۶. *یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.*
- صفی‌زاده، فاروق. ۱۳۸۳. *کراوات و تاریخچه پیدایش آن در ایران باستان، آناهید (۱): ۱۵-۱۳.*
- عباس، احسان. ۱۳۴۸. *عهد اردشیر. ترجمه: محمد علی امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملی.*
- عفیفی، رحیم. ۱۳۷۴. *اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، چاپ اول، تهران: نشر توس.*
- معین، محمد. ۱۳۶۰. *فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.*
- مقدم محمد. ۱۳۲۴. *جزوه شماره ۳، ایران کوده، تهران: ابن سینا.*

- Herzfeld, E.E. (1960). *IRAN in the Ancient East*. London, New York: Oxford University Press.
- Malcolm, N. (1994). *Bosnia: A short history*. London: Macmillan.
- Soudavar, A. (2003). *The Aura of Kings*. California: Mazda publishers.